

#گل با گرفتاری بیشتر

هشتگ

کارشناسان مواد مخدر از تولید محصولات جدیدی از گیاه شاهدانه خبر می‌دهند که باعث آثار توهم‌زا و مخرب بیشتری می‌شود. تتراهیدروکانابینول یا THC ترکیب شیمیایی درون گیاه شاهدانه است که در برخی نقاط مانند سرشاخه‌های کرکدار آن بیشتر وجود دارد؛ همان بخشی که با نام «گل» در ایران به فروش می‌رسد. بنا به اخباری که ستاد مرکزی مبارزه با موادمخدر از قول کارشناسان دانشگاه پلیس، پزشکی قانونی و پژوهشگران اعتیاد منتشر کرده است، ترکیبات صنعتی و سنتتیک به‌دست آمده از حبشیش (ماری‌جوانا) در سال‌های اخیر جای محصولات سنتنی را گرفته‌اند. تولیدکنندگان موادمخدر از حبشیش عصاره‌ای تهیه و آن را با گاز بوتان مخلوط می‌کنند که در نتیجه محصول نهایی ۴۰ تا ۸۰ درصد THC دارد. این موادمخدر صنعتی روی بافت گیاهی اسبری می‌شود و به نام کمیکال به فروش می‌رسد. میزان THC که در نمونه‌های قدیمی حبشیش کمتر بود، با هر محصول جدیدی که وارد بازار می‌شود افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه سطح اعتیاد به آن و مقدار آسیب هم بیشتر می‌شود.

خبرخوان

وزیر آموزش و پرورش در مراسم بدرقه تیم ملی فوتسال دانش‌آموزی اعزامی به مسابقات جهانی بزرگسال گفت: **۳ هزار** سهمیه دانشگاه فرهنگیان را برای نخبه‌های علمی و ورزشی کنار گذاشته‌ایم.

به گفته مدیر کل دفتر خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور با همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد **۳.۵ میلیارد** تومان به طرح حمایت از مادران کودک شیرخوار تزریق شده که به خانواده‌های ساکن تهران، البرز و گلستان پرداخت می‌شود.

معاون سرمایه‌انسانی سازمان اداری و استخدامی کشور گفته دستگاه‌های مذکور مجاز به تعدیل یا اعلام عدم‌نیاز استخدام‌شدگان دارای **حداقل ۳ فرزند**، مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار - جز در اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آرای قطعی قضایی - نیستند.

هشتک روز

چاپلوسی ممنوع!

فهیمة طباطبایی | روزنامه‌نگار

۱۲ روز پیش ویدئویی از یک کیک ۱۲ متری در یکی از خیابان‌های شهر بافق یزد منتشر شد که عکس محمدرضا صباغیان، نماینده این دوره مجلس بافق، چند بار روی آن حک شده بود؛ ویدئویی که با عنوان «چشن تولد آقای نماینده» در فضای مجازی فراگیر شد و اگر چه چند ساعت بعد دفتر او در مجلس شورای اسلامی آن را تکذیب کرد و نوشت که «این کیک مربوط به دوره انتخابات است که او پیروز شده و تعدادی خودخوش و با هزینه شخصی دست به تهیه و اکران آن زده بودند که صباغیان در همان زمان هم نسبت به این اقدام اعتراض و گلایه کرده بود.» اما تاثیر منفی در افکار عمومی گذاشت.

۲ در همین بازه زمانی، ویدئوی دیگری از یک کلاس درس ریاضی در دانشگاه اکسفورد منتشر شد که دانشجویان، استاد این دانشگاه را بعد از حل یک مسئله پیچیده تشویق می‌کنند و او سریع واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «نه! نه! نه! این شغل من است، فقط زمانی می‌توانید برای تدریس من دست بزنید که برای کار گران شهرداری که زباله‌هایتان را هم تخلیه می‌کنند، دست بزنید در حالی که کارشان را انجام می‌دهند.»

غرض اینکه این دو ماجرا نشان می‌دهد که اگر چه تشویق و تقدیر از کسی که نزد ما مقام و منزلت بالایی دارد یا پیروزی مشروعی کسب کرده امر پسندیده‌ای است، هم نوع این تقدیرها مهم است و هم نوع مواجهه با آن. در مورد اول فرد یا افرادی که کیک ۱۲ متری برای پیروزی آقای نماینده تدارک دیده و آن را وسط شهر اکران کرده‌اند، قصد چاپلوسی داشته‌اند که در نهایت حتی موجب تخریب شخصیت نماینده مربوطه در افکار عمومی شده‌اند. بدون شک آنها قبلاً از طریق این جنس چاپلوسی با افراد دیگر به مقاصد خود رسیده بودند که بار دیگر در صدد امتحان آن برآمده‌اند؛ اتفاقی که اگر محکم و جدی با آن برخورد نشود شاهد تکرار آن در سطوح مدیریتی بالای کشور خواهیم بود.

برخورد آنی، هوشیارانه و سریع همانند آنچه استاد ریاضی در موقعیت متفاوت انجسام داد، می‌تواند این فرهنگ غلط را که در بخشی از بدنه مدیریت ارشد دولتی مارخنه کرده و در فضای مجازی هم بیشتر شاهد آن هستیم، ریشه‌کن کند.

۶۰۰میلیون تومان وام مسکن کافی نیست

اصل و شرح

وام ۳۰۰میلیون تومانی به هر یک از زوجین مجموعاً ۶۰۰میلیون تومان می‌شود که برابر رهن یک آپارتمان کوچک در شهر است اما با تورم فعلی

معلوم نیست تا آخر سال بتوان با این رقم خانه اجاره کرد. علی‌اکبر محزون، پژوهشگر جمعیت درباره وام‌های ازدواج می‌گوید: «اگر مشوق‌هایی مثل وام ازدواج، محضل جامعه هدف را نشانه‌گیری نکند به نتیجه نمی‌رسد و میانگین سن ازدواج با این کار پایین نمی‌آید. هزینه‌های تشکیل خانواده اکنون شامل

هر دهه یک سال دیرتر

براساس آمارها، در نیم قرن گذشته سن ازدواج ایرانی‌ها ۵سال افزایش یافته است



دجله در حسرت آب

یک تصویر با عنوان «خشکسالی دجله» در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد و این عکس به‌خوبی عمق بحران کم‌آبی در منطقه را نشان می‌دهد. بستر رودخانه دجله در بغداد تا حد زیادی خشک شده و نشانه‌ای از

آب ژل‌ال و جریان پر قدرت گذشته باقی نمانده است. کارشناسان می‌گویند که کاهش بارندگی و افزایش دمای هوا باعث شده رودخانه‌های مهم خاورمیانه با کم‌آبی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شوند. چنین عکسی

مسکن، غذا، حمل‌ونقل، سلامت، آموزش و... است. باید آمار به دست آورد که مسکن چقدر برای جوانانی که می‌خواهند خانواده تشکیل دهند، هزینه دارد و بودجه محدود دولت و منابع بانک‌ها را به سمت آن هدایت کرد و گر نه وام‌هایی که مقصد مشخص نداشته باشند به نتیجه نمی‌رسند.»

محمد سربانی | روزنامه‌نگار |

جامعه امروز

سن ازدواج دختران و پسران هر سال کمی بالاتر می‌رود. جوانان ایرانی در حال حاضر تقریباً ۵سال دیرتر از ایرانی‌های ۵۰سال قبل ازدواج می‌کنند. به‌طور متوسط هر ۱۰سال که می‌گذرد یک سال به سن نخستین ازدواج اضافه می‌شود و هر چه زمان می‌گذرد نسل‌های جدیدتر این میانگین را با سرعت بیشتری بالا می‌برند.

یک سال دیرتر

سال ۱۴۰۰ میانگین سن ازدواج برای دختران ۲۳٫۶ و برای پسران ۲۷٫۸ بود که بنا به اعلام سازمان ثبت‌احوال در ۷ماه اول سال ۱۴۰۴ به ۲۴٫۲ و ۲۸٫۳ رسید؛ یعنی در مدت ۴سال گذشته میانگین سن ازدواج حدود یک سال بیشتر شده است. این اتفاقی است که قبلاً در طول یک دهه می‌افتاد ولی حالا در زمان کمتری رخ می‌دهد. نسل جوان برای ثبت رکوردهای «دیرتر» ازدواج کردن «عجله» بیشتری دارد. آمارهای پایتخت با دیگر استان‌ها و همین‌طور با کل کشور تفاوت دارد. در تهران جوانان چند سال دیرتر از میانگین کشوری ازدواج می‌کنند. در بزرگ‌ترین شهر ایران، پسرها ۲سال و دخترها ۳سال بیشتر مجرد می‌مانند.

ازدواج زیر ۲۰سالگی

۴۹سال قبل یعنی در سال ۱۳۵۵ و ۲سال مانده به انقلاب اسلامی، دخترها قبل از ۲۰سالگی و پسرها قبل از ۲۵سالگی زندگی مشترک خود را تشکیل می‌دادند. اگر بخواهیم دقیق بیان کنیم دخترها در ۱۹٫۷سالگی و پسرها در ۲۴٫۱سالگی ازدواج می‌کردند. ۲۰سال طول کشید تا به این میانگین‌ها ۲سال اضافه شود. در سال ۱۳۷۵ سن ازدواج دخترها به ۲۲٫۴سال و پسرها به ۲۵٫۶سال رسید. ۲۰سال بعد از آن، دوباره ۲سال دیگر به این میانگین افزوده شده و در سال ۱۳۹۵ سن ازدواج دخترها

به ۲۳٫۲ و پسرها به ۲۷٫۳ رسید. اگر مقیاس «هر ۱۰سال تقویمی برابر یک سال ازدواج دیرتر» را ثابت فرض کنیم، در سال ۱۴۳۰ دخترها بعد از ۲۶سال و پسرها بعد از ۳۰سال ازدواج می‌کنند. اگر شتاب فزاینده اخیر را به آن اضافه کنیم در سال ۱۴۳۰ احتمالاً دخترها قبل از ۳۰سال و پسرها قبل از ۳۵سال ازدواج نخواهند کرد. ۴۳۰ساله است که جمعیت ایران به ۱۰۰میلیون نفر می‌رسد، یک‌سوم ایرانی‌ها سالمند می‌شوند و جمعیت فعال و مؤثر کشور به شدت کاهش پیدا می‌کند.

۱۷میلیون مجرد قطعی

مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت گفت که در حال حاضر جمعیت دختران زیر ۲۰سال ازدواج نکرده معادل ۱۰۷میلیون نفر و پسران زیر ۲۰سال ازدواج نکرده، معادل ۱۲۰۹میلیون نفر است. با فرهنگ اجتماعی امروزی شاید ازدواج زیر ۲۰سال در شهرهای بزرگ اتفاق خاصی به‌نظر نیاید. هنوز زمان کافی وجود دارد و می‌توان تشکیل خانواده داد اما سوی دیگر آمارهای جمعیتی، مشکل را نشان می‌دهد. علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان هم گفته است

که در ایران ۱۷میلیون نفر شامل حدود ۹٫۵میلیون پسر و ۷٫۵میلیون دختر ۴۵ساله هستند که هیچ‌وقت ازدواج نکرده‌اند. ۴۵سالگی سن نامیدی از تشکیل خانواده نیست اما در معیارهای جمعیتی، این سن را «تجرد قطعی» می‌نامند.

بحران ازدواج در کلانشهرها

میانگین سن ازدواج خیلی بیشتر از آمارهای ثبت‌احوال است. علی‌اکبر محزون بیان می‌کند: «شاخص سن ازدواج در کلانشهرها متفاوت با سطح هر استان و مخصوصاً کشور است. جوامعی که به سرعت شهرنشین شده‌اند سن ازدواج بالاتری دارند و نباید تعجب کنید که در اطراف خود ازدواج‌های بالاتر از ۳۵-۳۰سال می‌بینید. در ارزیابی مناطق ۲۲گانه تهران مشخص شد که میانگین مناطق برخوردار به وضوح بیشتر از میانگین شهر و کشور است.»

نشان می‌دهد که مسئله خشکسالی تنها در لیست نگرانی‌های ایرانی‌های تدارک‌ناپذیر نیست بلکه اهالی عراق هم از شدت گرفتن خشکسالی و پیامدهای آن بر کشاورزی و زندگی روزمره نگران هستند.

ویتترین‌های سرد در گرمای پاییز

گرمای هوا در روزهای پاییزی موجب شده که فروشندگان پوشاک روزهای سوت و کوری را سپری کنند

در فضای مجازی هم پست‌های مربوط به لباس‌های پاییزی بازخوردی نمی‌گیرند. گشت و گذار در فروشگاه‌های شهر نشان می‌دهد که امسال نه فقط رکود اقتصادی، بلکه تغییر اقلیم هم عرض اندام می‌کند و این فروشندگان هستند که باید با هراس به لباس‌های تلنبارشده و بدون مشتری خیره بمانند.

برخی از فروشندگان می‌گویند هوا آنقدر دیر سرد شده که حتی تبلیغات فصلی‌شان بی‌اثر مانده و خریداران ترجیح داده‌اند خرید لباس برای روزهای سرد را تا اطلاع ثانوی به تعویق بیندازند. در بازارهای قدیمی و پاساژهای شلوغ مثلاً در میدان هفت تیر، بوت و پلیور و پالتو پشت شیشه‌ها خاک می‌خورند و

شده‌اند اما بیشتر شبیه نما بپناه اجناسی هستند که کسی دلش با آنها یار نیست و علاقه‌ای برای خرید ندارند. گرمای عجیب و غریب آبان، نبض بازار پوشاک پاییزی را در دست گرفته و گاز به جایی رسیده است که حالا فروشندگان از هفته‌ها رکود، کاهش مشتری و اجناس انبارشده به خاطر آب و هوا گلایه دارند.

گزارش

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | پاییز از نیمه گذشته اما هنوز خبری از سرماهای آشنا و دلچسب این فصل نیست. درخت‌ها زرد شده‌اند اما مردم هنوز با مانتوهای نخی و کفش‌های تابستانی قدم می‌زنند. و بترین مغازه‌ها هم با اینکه از پالتو، بارانی و بوت‌های نو تلنبار

خبره به آسمان برای فروش لباس

«هر هفته آب و هوا را چک می‌کنیم تا بدویم قراره بازار تکونی بخوره یا نه.» شاید باورش سخت باشد اما این نکته را یکی از فروشندگان راسته هفت تیر مطرح می‌کند که روزهای خوبی را پشت سر نمی‌گذارد. کمتر کسی فکر می‌کرد که روزگاری بازار پوشاک با انتظار فصل سرما گره بخورد اما وقتی بای حرف فروشندگان این صنف بنشینیم، واقعیت عیان می‌شود؛ درست مانند امیر که سال‌هاست جرج زندگی‌اش با فروش پوشاک زنانه در میدان هفت تیر می‌گذرد. «از اول مهر منتظر سرد شدن هوا بودیم که بازارمون رو هم که می‌بینید، انگار خاک مرده ریختن توی مغازه‌هامون.» فقط کارشناسان هواشناسی نیستند که مدام از رکورد کاهش باران و افزایش دما حرف می‌زنند و هوای این روزها را با سوال گذشته مقایسه می‌کنند، بلکه فروشندگان پوشاک هم بدون نمودار و براساس پولی که از جیب‌هایشان غیب شده است، بازار امسال را با سال گذشته مقایسه می‌کنند؛ «مدل کار ما اینجوریه که همیشه از یک فصل جلوتر، دست به تولید می‌زنیم، امسال هم ما از تابستون برای پاییز تولید کردیم اما هوا اینقدر گرمه که کسی خرید نمی‌کنه. وضع فروشمون خیلی بدتر از پار سال شده، حتی اون لباس‌های پاییزه که پار سال توی انبار مونده بود رو به این امید آوردیم که بفروشیم اما هیچ خبری نیست.»

سایه سنگین گرما بر بازار فروش آنلاین

صفحات فروش در اینستاگرام در روزهای اول پاییز مقداری رنگ و بوی پاییز به خود گرفت اما ماندگاری گرما، به سرعت ترمز بازار را کشید. مریم که مدیر یت فروش یکی از فروشگاه‌های معروف آنلاین را دارد، از شرایطی می‌گوید که بخشی از بازار به دلیل گرانی و بخشی هم به خاطر گرما زمینگیر شده است؛ «گرما باعث شده که ما هنوز همون لباس‌های خنک و تابستونی رو بفروشیم، چندتا لباس با پارچه ضخیم‌تر آوردیم اما خب مشتری سراغش نمیداد.» به گفته این فروشنده «تا همین پار سال، وقتی به نیمه پاییز می‌رسیدیم، نوبت این بود که لباس‌های زمستونی رو توی ویترین و روی رگال‌ها جا بدمیم اما الان هنوز از لباس‌های پاییزه هم کاسی نگردیم، چه برسه به لباس‌های زمستونی.»

دشمنی جهانی با پالتو و کاپشن

از آنجا که در دسرهای تغییرات اقلیمی و گرمای هوا فقط محدوده به ایران نیست، باید گفت که ماجرای غیب‌شدن مشتری‌ها در بازار پوشاک هم تنها برای جغرافیای ایران در دسرسر نشده است. در کشورهای اروپایی هم خرده‌فروشان با پدیده‌ای مشابه روبه‌رو شده‌اند. براساس گزارشی که از سوی انجمن «BRC» نماینده صنف خرده‌فروشان بریتانیا در سال گذشته منتشر شده است، باید گفت که با هر درجه افزایش دما نسبت به سال قبل، فروش لباس‌ها در این کشور به‌طور میانگین ۱۱ میلیون پوند کاهش یافته است. نیویورک تایمز نیز در گزارشی به رابطه صنعت پوشاک و تغییرات الگوی آب‌وهوا پرداخت و در این باره نوشت: «زمستان سال ۲۰۱۵ شمال شرقی ایالات متحده به‌طور غیرقابل پیش‌بینی گرم شد و دمای زمستان به ۱۶ درجه سانتی‌گراد رسیده بود. این وضعیت موجب شد که شرکت‌های بزرگ پوشاک به دلیل پیش‌بینی نکردن آب و هوا، دچار ضررهای اقتصادی کلان شوند. همچنین میانگین دما در نوامبر ۲۰۱۵ در کره جنوبی ۱۰٫۱ درجه سانتی‌گراد یعنی ۵۰ درجه گرم‌تر از دمای طبیعی در سال گذشته بود، در نتیجه فروش لباس‌های زمستانی در آن سال نسبت به سال قبل ۱۸٫۱ درصد کمتر شد.»